

طبقه بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان

دکتر حسین میرمحمد صادقی

در حقوق انگلستان صفر سن در کنار برخی از عوامل دیگر تحت عنوان دفاعیات عام یا *general defences* مورد بحث قرار می‌گیرند. دلیل این که این دفاعیات را «عام» می‌نامند آن است که آنها در مورد همه جرایم قابل استناد هستند و از این جهت با دفاعیات خاص (*special defences*) که تنها در جرایم خاصی قابل اعمال می‌باشند تفاوت می‌کنند. نمونه دفاعیات نوع دوم، دو دفاع «تحریک» (*provocation*) و «مسئولیت تخفیف یافته» (*diminished responsibility*) می‌باشند که تنها در جرم قتل عمد قابل اعمال بوده و موجب تخفیف مسئولیت مرتکب از قتل عمد به قتل غیر عمد می‌گردند.^۱ در دفاع «تحریک»، متهم، تحریک شدن خود در نتیجه گفتار یا رفتار مقتول یا شخص ثالث و در دفاع «مسئولیت

۱. می‌توان دفاع «پدر قربانی بودن» را در نظام کیفری ایران با این نوع دفاعیات مقایسه کرد، که باعث سقوط حد سرقت یا قذف یا قصاص و اجرای مجازات تعزیری خفیف تر می‌شود. نگاه کنید به ماده (۱۱) ۱۹۸، تبصره ماده ۱۴۹ و ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰.

تخفیف یافته» اختلال دماغی خود (که به حد جنون نمی‌رسد) را به عنوان عوامل مخففه مطرح می‌نماید. این دفاعیات را از این حیث که به جای سلب کامل مسؤلیت تنها باعث تقلیل آن می‌شوند، دفاعیات جزئی (partial defences) یا عذرهای جزئی (partial excuses) نیز می‌نامند.

در مورد دفاعیات عام معمولاً بین عوامل موجهه (justifications) و عوامل معذورکننده (excuses) تفکیک قائل می‌شوند. از لحاظ تاریخی حقوق انگلستان این تفکیک را در قتل به رسمیت می‌شناخت، بدین شکل که برخی از انواع قابل توجیه و بعضی دیگر معذورکننده محسوب می‌شدند. تا اوائل قرن نوزدهم اثر عملی این تفکیک آن بود که در قتل‌های معذورکننده اموال قاتل به نفع دولت مصادره می‌شد ولی این کار در قتل‌های توجیه پذیر ممکن نبود.^۲

اخیراً در آمریکا این تفکیک پذیرفته شده است. دفاع توجیه کننده به معنی آن است که عمل متهم قابل رد و سرزنش نیست مثل آنچه که در دفاع مشروع رخ می‌دهد. از سوی دیگر، در دفاعیات معذورکننده از متهم کار غلطی سر زده است لیکن وی معذور دانسته می‌شود. بدین ترتیب دفاعیات چون مستی، اشتباه، جنون و صغر سن جزء عوامل معذورکننده محسوب می‌گردند.

تفکیک بین دفاعیات توجیه کننده و دفاعیات معذورکننده آثار عملی چندی دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در عوامل توجیه کننده طرف مقابل حق دفاع و مقاومت ندارد ولی در عوامل معذورکننده فرد می‌تواند از خود (مثلاً در مقابل حمله یک صغیر یا مجنون) دفاع کند.

۲. در عوامل موجهه، دیگران هم می‌توانند به فرد کمک کنند در حالی که در عوامل معذورکننده از چنین حقی برخوردار نیستند و در این صورت ممکن است مسؤول شناخته شوند.

^۲ M. Jefferson, Criminal Law (London: pitman, 1999) p. 221.

۳. در عوامل موجهه دادگاهها نیازی به حصول اطمینان از عدم تکرار فعل ارتكابی ندارند در حالی که در عوامل معذورکننده دادگاهها ممکن است نیازمند اعمال نوعی مراقبت بر مرتکب باشند.

علاوه بر اینها می توان تفاوت‌های دیگری را هم ذکر کرد، مثل این که عوامل موجهه باید در تمامی جرایم پذیرفته شوند، در حالی که نظم عمومی ممکن است اقتضا نماید که عوامل معذورکننده در برخی از جرائم پذیرفته نشوند. در مورد ماهیت برخی از «دفاعیات» مثل اکراه و اضطرار را جزء عوامل توجیه کننده می دانند.^۲ هرگاه اکراه از عوامل توجیه کننده باشد نتایج نامعقولی رخ خواهد داد. مثلاً قربانی حق نخواهد داشت در مقابل کسی که با تهدید «مجبور» به تجاوز به وی شده است مقاومت کند و شخص ثالثی هم حق دارد که با نگاه داشتن چاقویی در مقابل شخص مورد تجاوز، متجاوز را قادر به انجام تجاوز کند. به علاوه هرگاه اکراه یک عامل توجیه کننده محسوب می شد محدودیتهایی مثل عدم امکان استناد به اکراه در قتل عمد از بین می رفت. در مورد اضطرار نیز شاید تنها در صورتی بتوان آن را یک عامل توجیه کننده دانست که مرتکب ضرر کمتر را در مقابل ضرر بیشتر پذیرفته باشد وگرنه هرگاه ضرری که به مرتکب می خورده است مساوی ضرری باشد که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است آن را بیشتر باید یک عامل معذورکننده دانست که بر اساس آن مرتکب را، نه از آن جهت که اجتماع کار او را تأیید می کند، بلکه از آن رو که خود به نوعی قربانی جرم دیگری است از مجازات معاف می کنیم. در هر صورت با توجه به این اشکالات است که گاهی پیشنهاد شده است که اکراه و اضطرار از عداد عوامل رافعه مسؤولیت خارج شوند و، با توجه به این که بیشتر به انگیزه مربوط می شوند، قاضی در مرحله تعیین مجازات، آنها را تنها به عنوان عوامل مخففه (که گاهی نیز باعث معافیت

3. See: J. Dressler, "Exegesis of the law of Duress: Justifying the Excuse and searching for its proper limits.", in M.L. Corrado (ed.) *Justification and Excuse in the Criminal Law* (New York: Garland publishing, 1999) pp. 379-427 at pp. 388-89.

کامل می‌شوند) در نظر بگیرد.

پس از این مقدمه کوتاه به بررسی آنچه که موضوع اصلی بحث ما را تشکیل می‌دهد و از عوامل معذورکننده می‌باشد، یعنی صغر سن (infancy) می‌پردازیم. این دفاع در حقوق انگلستان در همه جرایم، از جمله جرایم مادی صرف،^۴ قابل استناد می‌باشد و بنابراین آن را نمی‌توان مبتنی بر خدشه دار شدن عنصر روانی جرم دانست.

حقوق انگلستان صغار را به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف) کودکان زیر ده سال

به موجب بخش ۵۰ قانون «اطفال و اشخاص جوان» مصوب سال ۱۹۳۳ که به وسیله بخش ۱۶ قانونی به همین نام در سال ۱۹۶۳ اصلاح شده است، این گونه اطفال نمی‌توانند به ارتکاب هیچ جرمی محکوم شوند هرچند که ممکن است در محاکم اطفال دادرسیهایی در مورد شیوه مراقبت از آنها جریان یابد. حداقل سن مسؤولیت کیفری در کامن لا هفت سال بود که به موجب قانون موضوعه ابتدا به هشت و سپس به ده سال تغییر یافت. در اسلام نیز در مورد سن هفت سال به عنوان حداقل سن مسؤولیت نظراتی ارائه شده است، که از جمله می‌توان به کتاب الاستبصار شیخ طوسی (جلد ۴، ص ۲۴۹) اشاره کرد. حداقل سن مسؤولیت کیفری در کشورهای مختلف دنیا متفاوت است به طوری که در قبرس، ایرلند، لیختنشتاین، سوئیس، ایرلند شمالی و اسکاتلند هفت سال و در هلند و کانادا دوازده سال می‌باشد.^۵ همین سن در نظام کیفری ایران قبل از انقلاب نیز پذیرفته شده بود. نتیجه این قاعده که طفل کمتر از ده سال را در حقوق انگلستان نمی‌توان به ارتکاب جرمی محکوم کرد، آن است که هرگاه شخص بالغی چنین کودکی را تحریک یا تشویق به ارتکاب جرم نماید کودک را

4. Strict liability offences.

5. M. Jefferson, op. cit., p.225.

باید یک عامل بی‌گناه^۶ و شخص تحریک یا تشویق‌کننده را مباشر جرم دانست. به علاوه چون طفل را مثلاً نمی‌توان به ارتکاب سرقت محکوم کرده شخصی هم که کالاهای ربوده شده توسط کودک را از وی می‌گیرد، نمی‌تواند به ارتکاب جرم دریافت کالای مسروقه^۷ محکوم گردد. بنابراین در دعوی «والترز علیه لانت»^۸ در سال ۱۹۵۱ یک کودک هفت ساله سه چرخه کودک دیگری را برداشت، به طوری که اگر بزرگسالی این کار را می‌کرد محکوم به ارتکاب جرم سرقت می‌گشت. لیکن، با توجه به عدم امکان محکوم شدن کودک به ارتکاب سرقت، سه چرخه ای که وی برداشته بود «مسروقه» محسوب نگشت و پدر و مادر او، که آن را از وی گرفته بودند، به «دریافت کالای مسروقه» محکوم نشدند.

ب) کودکان از ده تا کمتر از چهارده سال

تا سال ۱۹۸۸ این کودکان در صورتی از مسؤلیت کیفری برخوردار بودند که تعقیب‌کننده می‌توانست، علاوه بر وجود عنصر مادی و روانی، برخوردار از آنان از یک «نظر شریرانه»^۹، یعنی علم آنها به قبح عمل ارتکابی، را اثبات نماید. برای مثال در یک اتهام سرقت باید اثبات می‌شد که کودک نه تنها عمل ربایش را به قصد سرقت انجام داده، بلکه وی از قبیح بودن عمل سرقت نیز مطلع می‌بوده است.

این نظریه سالها مورد انتقاد قرار می‌گرفت، هم از آن رو که به ضرر کودکان دارای تحصیلات خوب و برخاسته از خانواده‌های محترم تمام می‌شد، زیرا آنها بیش از کودکان برخاسته از خانواده‌های نامناسب از این رشد عقلی برخوردار هستند، و هم از آن جهت که پیشرفت آموزش در نزد کودکان به معنی آن بود که آنان از قبح اعمال

6. Innocent agent.

7. Handling stolen goods.

8. Walters V. Lunt (1951) 35 cr. App. r. 94 (DC)

9. Mischievous discretion.

مجرمانه خود مطلع می باشند. یکی از قضات اسکاتلند^{۱۰} (که در آن کشور هیچگاه این فرض مورد قبول واقع نشده است) در مخالفت با این فرض اظهار می دارد:

«این با عقل سلیم تضاد دارد که فرض کنیم که پسر بچه دوازده یا سیزده ساله ای که یک اتومبیل پر قدرت را می رباید و در حین رانندگی به سایر خودروها صدمه زده با یک مأمور پلیس تصادم می کند و پس از مواجهه با دستور توقف فرار می کند از قبیح عمل خود آگاه نیست»^{۱۱}.

بالاخره مجلس اعیان در دعوی «سی علیه دادستان»^{۱۲} خواستار دخالت پارلمان برای تغییر این نظریه شد و این امر در سال ۱۹۸۸ با تصویب «قانون جرم و بی نظمی»^{۱۳} عملی گشت که این قانون فرض سابقه الذکر را لغا نمود. قبل از این، کمیسیون حقوقی^{۱۴} در تدوین پیش نویس قانون جزا^{۱۵} سال ۱۹۸۹ توصیه کرده بود که تغییری در این قاعده ایجاد نشود چرا که کمیسیون مایل به گسترش دادن دامنه حقوق جزا برای این که کودکان را بیش از پیش در برگیرد نبود.

در مورد پسر بچه های زیر چهارده سال فرض دیگری نیز تا سال ۱۹۹۳ وجود داشت دال بر این که این پسر بچه ها را نمی توان به ارتکاب تجاوز یا هر جرم جنسی دیگری که نیازمند تحقق نزدیکی جنسی باشد محکوم کرد.^{۱۶} با توجه به دلایل پزشکی و زیست شناختی و برای حمایت از قربانیان جرم و نیز با توجه به آمار موجود که نشان می داد پسر بچه های بسیاری به ارتکاب تعرض منافی عفت (indecent assault) محکوم شده اند و تنها دلیل این کار عدم امکان قانونی محکوم کردن آنها به ارتکاب تجاوز بوده است، این فرض به موجب قانون جرایم جنسی مصوب سال ۱۹۹۳ ملغی گشت. البته پس از ملغی گشتن این فرض نیز احکام محکومیت زیادی در مورد

10. Lord Jauncey.

11. M. Jefferson, op.cit., p.225.

12. C.V. D.P.P.

13. Crime and Disorder Act.

14. Law Commission.

15. Draft Criminal code.

16 See: R. V. Waite [1892] 2 QB 600.

پسر بچه های زیر چهارده سال برای ارتکاب تجاوز جنسی صادر نشده است. برای مثال در سال ۱۹۹۳ دو فقره تعقیب بدون محکومیت و در سال ۱۹۹۴ دو فقره تعقیب با دو محکومیت انجام شد که از دو محکومیت اخیرالذکر نیز یک محکومیت در مرحله تجدیدنظر نقض گشت.^{۱۷}

ح) اشخاص بین چهارده تا هجده سال

مسئولیت کیفری این اشخاص درست مثل اشخاص بزرگسال است. به عبارت دیگر با اثبات عنصر مادی و روانی مسئولیت کیفری برای آنان به وجود می آید. البته اختلافات قابل توجه و چشمگیری بین برخورد با بزرگسالان و برخورد با این افراد وجود دارد. در مورد اشخاص اخیرالذکر تأکید بیشتر بر اصلاح و تربیت قرار داده می شود.

نتیجه گیری

از آنچه که فوقاً توضیح داده شد، می توان نتیجه گیری کرد که امروزه در حقوق انگلستان کودکان زیر ده سال سن از مسئولیت کیفری به طور کامل مبری هستند. برعکس، نوجوانان بین ده و هجده سال سن از مسئولیت کیفری شبیه افراد بزرگسال برخوردار می باشند، یعنی این که در صورت اثبات وجود عناصر مادی و روانی جرم محکوم خواهند شد، لیکن نوع برخورد با آنان با برخوردی که با افراد بزرگسال می شود متفاوت است، به طوری که تأکید عمده در نوجوانان بر مسأله اصلاح و تربیت قرار دارد. در سطوح فوق، به علاوه، مشاهده کردیم که حقوق انگلستان با لغو شرط اثبات «نظر شریانه» در مورد افراد بین ده و چهارده سال سن و لغو معافیت آنان از محکوم شدن به ارتکاب جرم تجاوز جنسی گامهایی در راستای برخورد های سخت تر با این طبقه از کودکان برداشته است.

17. K. Soothill, "Rapists under 14 in the News in the Harvard Journal of Criminal Justice. vol. 36. No. 4, November 97. pp. 367-377, at p. 364.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو د پوهنتون
پرتال جامع علومو د پوهنتون